

استاندارد حسابداری شماره ۱۵

حسابداری سرمایه گذاریها

فهرست مندرجات

| شماره بند |  |
|-----------|--|
| ۱ - ۴     | . دامنه کاربرد                               |
| ۵ - ۹     | . تعاریف                                     |
| ۱۰ - ۱۲   | . انواع سرمایه گذاری                         |
| ۱۳ - ۱۹   | . طبقه بندی سرمایه گذاریها                   |
| ۲۰ - ۲۴   | . بهای تمام شده سرمایه گذاریها               |
| ۲۵        | . انعکاس به ارزش بازار                       |
| ۲۶ - ۲۸   | . تعیین ارزش بازار اوراق سریع المعامله       |
| ۲۹ - ۳۸   | . مبلغ دفتری سرمایه گذاریها                  |
| ۳۹ - ۴۴   | . تغییر مبلغ دفتری سرمایه گذاریها            |
| ۴۵ - ۴۸   | . واگذاری سرمایه گذاریها                     |
| ۴۹ - ۵۲   | . تغییر طبقه بندی سرمایه گذاریها             |
| ۵۳ - ۵۶   | . صورت سود و زیان                            |
| ۵۷        | . مؤسسات تخصصی سرمایه گذاری                  |
| ۵۸ - ۶۰   | . افشا                                       |
| ۶۱        | . تاریخ اجرا                                 |
| ۶۲        | . مطابقت با استانداردهای بین المللی حسابداری |

## استاندارد حسابداری شماره ۱۵

### حسابداری سرمایه گذاریها

این استاندارد باید با توجه به "مقدمه‌ای بر استانداردهای حسابداری" مطالعه و بکار گرفته شود.

دامنه کاربرد

۱. این استاندارد به نحوه حسابداری سرمایه گذاریها و الزامات افشای اطلاعات مربوط می‌پردازد.

۲. حسابداری سرمایه گذاری در کلیه واحدهای تجاری باید طبق الزامات این استاندارد انجام شود. این استاندارد نحوه حسابداری سرمایه گذاری در واحدهای تجاری فرعی و وابسته در صورت‌های مالی تلفیقی را تعیین نمی‌کند لیکن در خصوص نحوه حسابداری سرمایه گذاریهای پیشگفته در صورت‌های مالی واحد تجاری اصلی کاربرد دارد مگر در مواردی که در استانداردهای حسابداری مربوط به سرمایه گذاری در واحدهای تجاری فرعی و وابسته نحوه عمل دیگری تجویز شده باشد.

۳. موارد زیر در این استاندارد مورد بحث قرار نمی‌گیرد:

الف. مبانی شناخت درآمدهایی که به صورت سود تضمین شده، سود سهام و غیره از سرمایه گذاریها عاید می‌شود (رجوع شود به استاندارد حسابداری شماره ۳ با عنوان درآمد عملیاتی).

ب. سرمایه گذاری در واحدهای تجاری فرعی و وابسته در صورت‌های مالی تلفیقی.

ج. سرمایه گذاریهای خاص از جمله ابزارهای مالی پیچیده.

د. سرمایه گذاریهایی که توسط طرحهای مزایای بازنشستگی و مؤسسات بیمه عمر انجام می‌شود.

ه. سرمایه گذاری در املاک.

۴. نظر به اینکه یکی از ویژگیهای کلیه سرمایه گذاریها، ایجاد منافع اقتصادی برای واحد سرمایه گذار است، نحوه حسابداری مندرج در این استاندارد عملکرد سرمایه گذاری یک واحد سرمایه گذار را به نحو مناسب شناسایی و اندازه‌گیری می‌کند. لذا، این استاندارد، در مورد کلیه واحدهای تجاری سرمایه گذار، صرف نظر از ماهیت، درصد سرمایه گذاری و حجم فعالیت سرمایه گذاری آنها، از جمله شرکتهای تخصصی سرمایه گذاری کاربرد دارد. باین حال، این امر مانع تدوین رهنمودهای ویژه برای صنایع و گروههای واحدهای تجاری خاص با رعایت اصول کلی مندرج در این استاندارد نیست.

تعاریف

۵. اصطلاحات ذیل در این استاندارد با معانی مشخص زیر بکار رفته است :

. سرمایه گذاری نوعی دارایی است که واحد سرمایه گذار برای افزایش منافع اقتصادی از طریق توزیع منافع (به شکل سود سهام، سود تضمین شده و اجاره)، افزایش ارزش یا سایر مزایا (مانند مزایای ناشی از مناسبات تجاری) نگهداری می‌کند .

. سرمایه گذاری بلندمدت به طبقه‌ای از سرمایه گذاریها گفته می‌شود که به قصد استفاده مستمر در فعالیتهای واحد تجاری نگهداری شود . یک سرمایه گذاری هنگامی به عنوان دارایی غیرجاری طبقه‌بندی می‌شود که قصد نگهداری آن برای مدت طولانی به وضوح قابل اثبات باشد یا توانایی واگذاری آن توسط سرمایه گذار مشمول محدودیتهایی باشد .

. سرمایه‌گذاری جاری به طبقه‌ای از سرمایه‌گذارها گفته می‌شود که سرمایه‌گذاری بلندمدت نباشد .  
. سرمایه‌گذاری سریع‌المعامله در بازار نوعی سرمایه‌گذاری است که برای آن بازار فعالی که آزاد و در دسترس است وجود دارد به طوری که از طریق آن بتوان به ارزش بازار یا شاخصی قابل اتکا که محاسبه ارزش بازار را امکان‌پذیر سازد، دست یافت .

. سود سهمی (یا سهام جایزه) عبارت است از توزیع سود به شکل سهم بین صاحبان سهام یک واحد تجاری از محل سود تقسیم نشده یا اندوخته‌ها که با توجه به اصلاحیه قانون تجارت موکول به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده است .  
. حق تقدم به موجب ماده ۱۶۶ اصلاحیه قانون تجارت، حقی است قابل نقل و انتقال که در زمان خرید سهام جدید توسط صاحبان سهام واحد تجاری به نسبت سهامی که مالکند به ایشان تعلق می‌گیرد .  
. سرمایه‌گذاری در املاک عبارت از سرمایه‌گذاری در زمین یا ساختمانی است که عملیات ساخت و توسعه آن به اتمام رسیده و به جهت ارزش بالقوه‌ای که از نظر سرمایه‌گذاری دارد و نه به قصد استفاده توسط واحد تجاری سرمایه‌گذار یا شرکتهای همگروه آن، نگهداری می‌شود .

۶. اگرچه ویژگی زیربنایی سرمایه‌گذاری این است که با قصد کسب منافع اقتصادی آتی انجام می‌پذیرد، اما این ویژگی در مورد کلیه داراییها مصداق دارد. این امر مشکلاتی را در تعریف سرمایه‌گذاری از نظر مقاصد این استاندارد ایجاد می‌کند زیرا این استاندارد قصد ندارد سایر داراییهای مورد استفاده واحد تجاری از قبیل داراییهای ثابت مشهود و موجودی مواد و کالا را دربر گیرد. این مشکل در مواردی که سرمایه‌گذاری خصوصیتی مشابه با دیگر داراییها دارد، مضاعف می‌شود. مثلاً در مواردی که عملیات خرید و فروش سرمایه‌گذاری بخش عمده فعالیت روزمره یک واحد تجاری را تشکیل می‌دهد، پرتفوی سرمایه‌گذارها، مشابه موجودی مواد و کالا در سایر واحدهای تجاری است.

۷. به هر صورت، در تدوین استاندارد حسابداری برای سرمایه‌گذارها، این فرض تلویحی وجود دارد که دارایی طبقه‌بندی شده به‌عنوان سرمایه‌گذاری، مستلزم نحوه حسابداری متفاوتی از سایر داراییهاست. این امر به‌نوبه خود حاکی از این است که در ماهیت سرمایه‌گذاری خصوصیتی وجود دارد که آن را از سایر داراییها متمایز می‌سازد. ویژگی متمایزکننده سرمایه‌گذاری به‌عنوان طبقه‌ای از داراییها، طریقه خاص کسب منافع اقتصادی آن است. این منافع اقتصادی ممکن است به یکی از اشکال زیر یا هر دوی آنها حاصل شود. شکل اول دریافتهای ناشی از توزیع منافع، از قبیل سود تضمین شده و سود سهام است. در مفهومی گسترده‌تر، این شکل دربرگیرنده شرایط مساعد تجاری است که از طریق یک سرمایه‌گذاری تجاری فراهم می‌آید. شکل دوم، منفعت سرمایه‌ای است که منعکس‌کننده افزایش در ارزش مبادلاتی یک سرمایه‌گذاری طی دوره نگهداشت آن توسط واحد تجاری است. این ویژگی در تعریف سرمایه‌گذاری برای مقاصد این استاندارد بکار گرفته شده است. اگرچه ارزش سایر داراییها از قبیل ساختمان و ماشین‌آلات نیز ممکن است طی زمان افزایش یابد، لیکن این اقلام تنها در مواردی طبق این استاندارد به‌عنوان سرمایه‌گذاری تلقی می‌شود که برای این هدف و نه به قصد استفاده در عملیات واحد تجاری، نگهداری شده باشد.

۸. ممکن است ادعا شود که سرمایه‌گذاری نگهداری شده توسط معامله‌گران سهام به‌عنوان موجودی که به قصد کسب سود در جریان عادی فعالیتهای تجاری آنها صورت گرفته است، در تعریف سرمایه‌گذاری طبق این استاندارد قرار نمی‌گیرد. لیکن این اعتقاد وجود دارد که دارایی مورد معامله به شیوه مزبور، همان خصوصیات زیربنایی را داراست که در صورت نگهداشت توسط یک واحد تجاری دیگر و فروش آن به یک معامله‌گر سهام و یا خریدار نهایی دیگری دارا می‌بود. بنابراین نحوه حسابداری سرمایه‌گذارهای نگهداری شده به‌منظور خرید و فروش توسط معامله‌گران سهام نیز مطابق این استاندارد است.

۹. تعریف سرمایه‌گذاری طبق این استاندارد تعریفی عام است. با این حال اضافه می‌شود که تعریف مزبور، شامل اوراق سهام، اوراق مشارکت با حداقل سود تضمین شده، حق تقدم خرید سهام، کالاها (غیر از آنهایی که به قصد مصرف یا خرید و فروش، در جریان فعالیتهای عادی واحد تجاری نگهداری شود) و سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار بانکی می‌باشد. ضمناً اقلام مزبور کلیه موارد را دربر نمی‌گیرد.

#### انواع سرمایه‌گذاری

۱۰. سرمایه‌گذاری ممکن است به اشکال مختلفی صورت گیرد و به دلایل گوناگونی نگهداری شود. برخی سرمایه‌گذاریها ممکن است در قالب اسنادی که بیانگر بدهی پولی به دارنده آنهاست، ظاهر بشوند (نظیر برخی اوراق مشارکت). برخی از این سرمایه‌گذاریها ممکن است متضمن سود تضمین شده حداقلی باشند. سرمایه‌گذاریها همچنین می‌توانند در قالب مالکیت سهام یک واحد تجاری دیگر ظاهر شوند. این سرمایه‌گذاریها بیانگر حقوق مالی است. سایر اشکال سرمایه‌گذاری شامل نگهداری داراییهای عینی مثل زمین و ساختمان، فلزات گرانبها یا دیگر کالاها از جمله آثار هنری است. سرمایه‌گذاریهای مختلف از نظر سهولت تبدیل به وجه نقد یا سایر داراییها، میزان داد و ستد و ماهیت بازار مربوط و ویژگیهای متفاوتی از خود بروز می‌دهند.

۱۱. ماهیت و سطح سرمایه‌گذاری یک واحد تجاری و حجم فعالیت آن در زمینه خرید، نگهداری و فروش سرمایه‌گذاریها در واحدهای مختلف فرق می‌کند. برای برخی واحدهای تجاری خصوصاً واحدهایی که در بخشهای خاص خدمات مالی فعالیت دارند، فعالیت سرمایه‌گذاری بخش عمده عملیات واحد تجاری را تشکیل می‌دهد و عملکرد آن در زمینه سرمایه‌گذاری به میزان قابل ملاحظه‌ای بر نتایج عملیات آن تأثیر می‌گذارد. برخی واحدهای تجاری از قبیل شرکتهای تخصصی سرمایه‌گذاری صرفاً در زمینه نگهداری و مدیریت پرتفوی سرمایه‌گذاری در بلندمدت فعالیت می‌کنند تا برای صاحبان سرمایه خود درآمد یا رشد سرمایه فراهم آورند. برای سایر واحدهای تجاری، سرمایه‌گذاری ممکن است به‌عنوان یک منبع وجوه مازاد نگهداری شود و بخشی از فعالیت مدیریت وجوه نقد آن را تشکیل دهد. همچنین یک واحد تجاری ممکن است به‌منظور اعمال نفوذ قابل ملاحظه یا اعمال کنترل بر سیاستهای مالی و عملیاتی واحد تجاری دیگر، در سهام آن سرمایه‌گذاری کند. بعلاوه سرمایه‌گذاری ممکن است به‌منظور تحکیم رابطه تجاری یا دستیابی به یک مزیت تجاری نگهداری شود.

۱۲. برای برخی سرمایه‌گذاریها، بازار فعالی وجود دارد که بر مبنای آن، می‌توان ارزش بازار سرمایه‌گذاری را تعیین کرد. برای این سرمایه‌گذاریها، ارزش بازار شاخص ارزش منصفانه سرمایه‌گذاری است. در مورد سایر سرمایه‌گذاریها، بازار فعالی وجود ندارد و برای تعیین ارزش منصفانه از طرق دیگری استفاده می‌شود.

#### طبقه‌بندی سرمایه‌گذاریها

۱۳. آن گروه از واحدهای تجاری که طبق الزامات استاندارد حسابداری شماره ۱۴ با عنوان " نحوه ارائه داراییهای جاری و بدهیهای جاری "، داراییهای جاری و غیرجاری را در صورتهای مالی خود تفکیک می‌کنند باید سرمایه‌گذاریهای جاری را به عنوان دارایی جاری و سرمایه‌گذاریهای بلندمدت را به‌عنوان دارایی غیرجاری منعکس کنند.

۱۴. آن گروه از واحدهای تجاری که طبق استانداردهای حسابداری خاص یا مفاد قوانین آمره داراییهای جاری و غیرجاری را در ترازنامه تفکیک نمی‌کنند باید به منظور تعیین مبلغ دفتری سرمایه‌گذاریها، بین آنها تمایز قائل شوند و مبلغ دفتری سرمایه‌گذاریها را مطابق با بندهای ۲۹ تا ۳۸ تعیین کنند.

۱۵. براساس تعریف سرمایه‌گذاری بلندمدت مندرج در بند ۵، سرمایه‌گذاری فقط زمانی به‌عنوان بلندمدت طبقه‌بندی می‌شود که قصد نگهداری آن برای مدت طولانی به وضوح قابل اثبات باشد یا اینکه در عمل محدودیتهایی در توانایی واگذاری آن توسط واحد تجاری وجود داشته باشد. این اصل صرف نظر از اینکه سرمایه‌گذاری مورد نظر سریع‌المعامله در بازار باشد یا نباشد، مصداق دارد. بنابراین سرمایه‌گذاری بلندمدت مشتمل بر موارد زیر است:

الف. سرمایه‌گذاری در واحد تجاری فرعی و وابسته یا تسهیلات بلندمدت اعطایی به این واحدها.  
ب. سرمایه‌گذاریهایی که اساساً جهت حفظ، تسهیل و گسترش فعالیت یا روابط تجاری موجود انجام شده است (این سرمایه‌گذاریها اصطلاحاً سرمایه‌گذاریهای تجاری نام گرفته است).

ج. سرمایه‌گذاریهایی را که نمی‌توان واگذار کرد، یا بدون تأثیر عمده بر فعالیت‌های واحد تجاری قابل واگذاری نیست.  
د. سرمایه‌گذاریهایی که با قصد استفاده مستمر توسط واحد تجاری نگهداری می‌شود و هدف آن نگهداری پرتفویی از سرمایه‌گذاریها جهت تأمین درآمد و یا رشد سرمایه برای صاحبان سرمایه واحد تجاری است.

۱۶. تنها در شرایطی که معیارهای پیشگفته احراز شود، سرمایه‌گذاری را می‌توان بلندمدت تلقی کرد. این واقعیت که یک سرمایه‌گذاری برای مدت نسبتاً طولانی نگهداری شده است، لزوماً به معنای بلندمدت بودن سرمایه‌گذاری نیست. در سایر موارد که معیارهای مزبور احراز نگردد، سرمایه‌گذاری (اعم از سریع‌المعامله در بازار یا سایر) به‌عنوان سرمایه‌گذاری جاری طبقه‌بندی می‌شود.

۱۷. تعریف سرمایه‌گذاری سریع‌المعامله در بازار، دربرگیرنده دو شرط اصلی است. اول وجود بازاری فعال که آزاد و قابل دسترس باشد و دوم اینکه قیمت‌های معاملاتی درچنین بازاری معلوم باشد و علنی اعلام شود. بعلاوه قیمت اعلام شده باید به گونه‌ای قابل اتکا بیانگر قیمتی باشد که بتوان براساس آن معامله کرد. درصورت تحقق این شرایط، سرمایه‌گذاری یک "سرمایه‌گذاری سریع‌المعامله در بازار" است. در عمل مفهوم عبارت "سرمایه‌گذاری در بازار" ممکن است برای واحدهای تجاری مختلف یکسان نباشد. بنابراین به دلیل تفاوت در میزان دسترسی به بازار و در دسترس بودن قیمت‌های اعلام شده، یک سرمایه‌گذاری که هنگام نگهداری توسط برخی مؤسسات خدمات مالی خاص، سریع‌المعامله در بازار تلقی شود، ممکن است برای دیگر واحدهای تجاری این چنین نباشد.

۱۸. سرمایه‌گذاری سریع‌المعامله در بازار را، هم می‌توان به‌عنوان سرمایه‌گذاری جاری طبقه‌بندی کرد و هم در موارد مندرج در بند ۱۵ آن را سرمایه‌گذاری بلندمدت تلقی کرد.

۱۹. برخی از واحدهای تجاری ممکن است به موجب استانداردهای حسابداری خاص یا مفاد قوانین آمره، ترازنامه خود را مطابق فرم ازپیش تعیین شده‌ای که بین داراییهای جاری و غیرجاری تمایزی قائل نمی‌شود، تهیه کنند. بسیاری از واحدهای تجاری، نظیر بانکها و شرکتهای بیمه که در رشته‌های مالی فعالیت می‌کنند، هرچند ممکن است قصد واگذاری داراییهایشان را طی عملیات جاری نداشته باشند، با این حال معمولاً بسیاری از سرمایه‌گذاریهای خود را به‌عنوان منابعی تلقی می‌کنند که در صورت لزوم، می‌توان آنها را جهت عملیات جاری بکار گرفت. باین حال این واحدهای تجاری ممکن است دارای سرمایه‌گذاریهایی باشند که علی‌الاصول سرمایه‌گذاری بلندمدت تلقی شود. بنابراین بسیاری از این واحدهای تجاری در تجزیه و تحلیل سرمایه‌گذاریهای خود و انتساب مبلغ دفتری به آنها، خصوصیات سرمایه‌گذاری را از نظر جاری یا بلندمدت بودن، مبنای کار قرار می‌دهند.

بهای تمام شده سرمایه گذارها

۲۰. بهای تمام شده یک سرمایه گذاری، مخارج تحصیل آن، از قبیل کارمزد کارگزار، حق الزحمه ها و عوارض و مالیات را نیز دربر می گیرد لیکن شامل مخارج مالی تحمل شده در رابطه با ایجاد تدریجی یک سرمایه گذاری نیست. بهای تمام شده پرتفوی سرمایه گذارها بر مبنای تک تک سرمایه گذاریهای آن تعیین می شود.

۲۱. اگر سرمایه گذاری کلاً یا جزئاً در مقابل مابه ازای غیر نقد تحصیل شود، بهای تمام شده آن معادل ارزش منصفانه دارایی یا اوراق بهاداری خواهد بود که به عنوان مابه ازای واگذار شده است. لیکن هرگاه ارزش منصفانه سرمایه گذاری تحصیل شده با سهولت بیشتری قابل تعیین باشد، مبلغ اخیر ممکن است در تعیین بهای تمام شده سرمایه گذاری ملاک عمل قرار گیرد.

۲۲. نحوه تعیین بهای تمام شده حق تقدم خریداری شده مشابه با خرید سهام است. همچنین چنانچه واحد تجاری در نتیجه افزایش سرمایه واحد سرمایه پذیر صاحب حق تقدم شود و وجه پرداختی بابت سهام جدید یا واگذاری مطالبات سود سهام نقدی از این بابت به بهای تمام شده سرمایه گذاری اضافه می شود. در موارد بالا پس از حصول اطمینان از دریافت سهام جدید به منظور تعیین مبلغ دفتری هر سهم، جمع مبلغ دفتری سرمایه گذاری قبلی و بهای تمام شده حق تقدم تحصیل شده به کل سهام موجود از بابت سرمایه گذاری مربوط تسهیم می شود.

۲۳. چنانچه سرمایه گذاری تحصیل شده دربرگیرنده حداقل سود تضمین شده یا سود سهام تعلق گرفته و دریافت نشده باشد، بهای تمام شده سرمایه گذاری عبارت از بهای خرید بعد از کسر هرگونه سود تعلق گرفته و دریافت نشده خواهد بود.

۲۴. مبالغ سود تضمین شده، حق امتیاز و سود سهام حاصل از سرمایه گذاری، بازده سرمایه گذاری است و عموماً درآمد تلقی می گردد. با این حال در برخی شرایط، مثلاً، در مواردی که سود سهام عادی شرکت سرمایه پذیر، از محل اندوخته ها یا سود انباشته مصوب پیش از تحصیل سرمایه گذاری اعلام می شود این گونه مبالغ معرف باز یافت بخشی از بهای تمام شده سرمایه گذاری است و درآمد محسوب نمی شود. به بیان دیگر، بهای تمام شده سرمایه گذاری تنها هنگامی بابت سود سهام دریافتی یا دریافتی کاهش داده می شود که سود سهام مزبور مازاد بر سهم شرکت سرمایه گذار از سودهای مصوب شرکت سرمایه پذیر پس از تحصیل سرمایه گذاری باشد.

انعکاس به ارزش بازار

۲۵. استفاده از ارزش بازار در مورد سرمایه گذاری سریع معامله در بازار عملاً موجب می شود کلیه تغییرات در ارزش بازار سرمایه گذاری در صورتهای عملکرد مالی شناسایی شود صرف نظر از اینکه سرمایه گذاری به فروش رسیده یا نرسیده باشد. کاربرد این مبنای اندازه گیری در تعیین مبلغ دفتری آن گروه از سرمایه گذاریهای سریع معامله در بازار که به عنوان داراییهای جاری طبقه بندی می شوند به دلایل زیر مناسب است:

الف. نتیجه عملیات واحد تجاری بنحو مطلوب تری منعکس می شود چون هرگونه افزایش در ارزش بازار سرمایه گذاری، به سبب مستند بودن به دریافت وجه نقد و یا انتظار قریب به یقین به دریافت وجه نقد، معرف سود تحقق یافته دوره است. مضافاً این مبنا ارزیابی بهتری از عملکرد مدیریت فراهم می کند.

ب. از نقطه نظر واقعیت اقتصادی و یکنواختی عمل، عینی ترین ابزار برای اندازه گیری تأثیر مالی تصمیمات مربوط به خرید، فروش و نگهداری سهام طی دوره است. اگرچه سود یا زیان ممکن است در تاریخ ترازنامه متبلور نشده باشد، لیکن واقعیت اقتصادی این است که مدیریت از طریق فروش سرمایه گذاری، توانایی تبلور آنها را داشته لیکن به عمد چنین نخواست است.

ج. دستکاری نتیجه عملیات توسط مدیریت واحد تجاری از طریق انتخاب زمان فروش سرمایه گذاری ناممکن می شود.

د. ارزش بازار خاصه ای از دارایی است که برای مدیریت واحد تجاری و سایر استفاده کنندگان صورتهای مالی بیشترین اهمیت را دارد. افزون بر این، استفاده از این روش اشکال در اندازه گیری ارقام مشابه با قیمتهای متفاوت را که تنها به لحاظ خرید در زمانهای مختلف ایجاد شده است، از بین می برد.

تعیین ارزش بازار اوراق سریع المعامله

۲۶. در عمل، در هر مقطع زمانی، دو قیمت برای ارزیابی اوراق سریع المعامله به ارزش بازار وجود دارد. اول: قیمت "پیشنهاد خرید" است که انتظار می رود سرمایه گذاری به آن قیمت واگذار شود و دوم: قیمت "پیشنهاد فروش" است که انتظار می رود یک سرمایه گذار برای تحویل سرمایه گذاری بپردازد. قیمت سومی که می تواند برای مقاصد ارزیابی بکار گرفته شود، قیمت میانگین بازار، یعنی میانگین قیمت "پیشنهاد خرید" و "پیشنهاد فروش" است. در عمل، تفاوت بین دو قیمت مزبور در مورد یک سرمایه گذاری سریع المعامله در بازار نسبتاً کم است. در نتیجه در این استاندارد قیمت خاصی تجویز نمی شود. واحدهای تجاری، قیمت متناسب با شرایط خاص خود را انتخاب می کنند. برای بیشتر واحدهای تجاری، قیمت صحیح در تئوری، قیمت پیشنهاد خرید است لیکن در عمل قیمت میانگین نیز قابل قبول است. به هر حال هر مبنایی که انتخاب شود به طور یکنواخت اعمال خواهد شد. قیمتهای تاریخ ترازنامه را می توان از طریق یک کار گزار رسمی و یا از طریق بورس اوراق بهادار کسب نمود. ارزش بازار پرتفوی سرمایه گذاری بر اساس تک تک سرمایه گذاریها محاسبه می شود.

۲۷. باید توجه داشت که قیمت اعلام شده بازار قیمتی میانگین است و اغلب مبتنی بر حجم معینی از معاملات است. بنابراین ممکن است راهنمای قابل اتکایی برای استفاده توسط واحد تجاری در شرایط خاص آن نباشد. این امر بویژه هنگامی مصداق دارد که سرمایه گذار، بیش از اندازه معمول از یک سرمایه گذاری را در اختیار داشته باشد. در چنین شرایطی واگذاری کل سرمایه گذاری بدون تغییر در قیمت امکان پذیر نیست و بنابراین قیمت مزبور باید در حدی تعدیل شود که درآمد قابل شناسایی در تاریخ ترازنامه به نحوی اتکاپذیر قابل اندازه گیری باشد. البته نحوه معمول واگذاری توسط واحد تجاری (به صورت یکجا یا بخش بخش) باید در روال فعالیت عادی آن در نظر گرفته شود.

۲۸. در شرایطی که واگذاری اجباری باشد، قیمت مؤثر ممکن است بنحو قابل ملاحظه ای کمتر از قیمت اعلام شده بازار باشد. همچنین حجم سهام موجود در بازار برای معامله نیز عامل مهمی در تعیین قیمت بازار است. در این شرایط باید مراتب فوق در تعیین قیمت بازار مورد توجه خاص قرار گیرد.

مبلغ دفتری سرمایه گذاریها

۲۹. سرمایه گذاری سریع المعامله در بازار هرگاه به عنوان دارایی جاری نگهداری شود باید در ترازنامه به یکی از دو روش زیر منعکس شود:

الف. ارزش بازار، یا

ب. اقل بهای تمام شده و خالص ارزش فروش.

۳۰. چنانچه ماهیت و میزان سرمایه‌گذاری به گونه‌ای باشد که جذب آن توسط بازار، بدون تأثیر بااهمیت در نرخ بازار آن، ممکن نباشد، قیمت جاری بازار باید طوری تعدیل شود که منعکس‌کننده عوایدی باشد که واحد تجاری به طور واقع‌بینانه، انتظار کسب آن را در صورت واگذاری سرمایه‌گذاری در روال عادی فعالیت تجاری داشته باشد.

۳۱. سایر سرمایه‌گذاریهایی که تحت عنوان دارایی جاری طبقه‌بندی می‌شود، باید در ترازنامه به یکی از دو روش زیر منعکس شود:

الف. اقل بهای تمام شده و خالص ارزش فروش، یا

ب. خالص ارزش فروش.

۳۲. استفاده از ارزشهای جاری تا میزانی که با خصوصیات اتکاپذیری و ملاحظات منفعت و هزینه سازگار باشد، موجب می‌گردد اطلاعات ارائه شده در صورتهای مالی برای استفاده کنندگان، در راستای ارزیابی وضعیت مالی و عملکرد مالی واحد تجاری مفید واقع شود. بدین لحاظ و باتوجه به دلایل ذکر شده در بند ۲۵، سرمایه‌گذاری سریع‌المعامله در بازار را که به‌عنوان دارایی جاری نگهداری می‌شود می‌توان به ارزش بازار آن در ترازنامه منعکس کرد و هرگونه افزایش یا کاهش در ارزش آن طی دوره را به‌عنوان بخشی از نتایج عملیات واحد تجاری در صورت سود و زیان شناسایی شود. رویه مجاز دیگر، انعکاس سرمایه‌گذاریهای مزبور به اقل بهای تمام شده و خالص ارزش فروش در ترازنامه است.

۳۳. سایر سرمایه‌گذاریهای جاری (غیر از سریع‌المعامله در بازار) به اقل بهای تمام شده اولیه و خالص ارزش فروش در ترازنامه منعکس می‌شود. این سرمایه‌گذاریها، معمولاً به بهای تمام شده انعکاس می‌یابد مگر در مواردی که کاهش در ارزش سرمایه‌گذاری قابل تشخیص باشد. رویه مجاز دیگر، استفاده از خالص ارزش فروش است هنگامی که مبلغ آن به گونه‌ای اتکاپذیر قابل اندازه‌گیری باشد. اگر رویه اخیر انتخاب شود، هرگونه افزایش و کاهش مبلغ دفتری سرمایه‌گذاری به‌عنوان درآمد یا هزینه سرمایه‌گذاریها در زمره فعالیت‌های عادی در صورت سود و زیان شناسایی می‌شود.

۳۴. سرمایه‌گذاریهایی که تحت عنوان دارایی غیرجاری طبقه‌بندی می‌شود باید در ترازنامه به یکی از روشهای زیر منعکس شود:

الف. بهای تمام شده پس از کسر هرگونه ذخیره کاهش دائمی در ارزش.

ب. مبلغ تجدید ارزیابی به عنوان یک نحوه عمل مجاز جایگزین.

در صورت انعکاس به مبلغ تجدید ارزیابی، مطابق استاندارد حسابداری شماره ۱۱ با عنوان "حسابداری داراییهای ثابت مشهود" عمل می‌شود با این تفاوت که دوره تناوب تجدید ارزیابی یک سال خواهد بود.

۳۵. از آنجا که سرمایه‌گذاریهای بلندمدت برای مدت طولانی نگهداری می‌شوند، ارزش بازار آنها از نظر مربوط بودن به اندازه‌گیری سود و زیان دوره، اهمیت چندانی ندارد زیرا که مدیریت واحد تجاری قصد و یا توان آن را ندارد که این ارزش را از طریق فروش آنها متبلور سازد. به این دلیل، سرمایه‌گذاریهای بلندمدت به بهای تمام شده، پس از کسر ذخیره کاهش دائمی در ارزش آن، انعکاس می‌یابد. در نحوه عمل مجاز جایگزین، این سرمایه‌گذاریها را می‌توان براساس مبلغ تجدید ارزیابی آنها منعکس نمود. اگر این رویه انتخاب شود، احتساب هرگونه افزایش در ارزش به‌عنوان درآمد تحقق یافته دوره مناسب نیست. در عوض، مبلغ هرگونه افزایش به عنوان مازاد تجدید ارزیابی تلقی می‌شود و در سرفصل حقوق صاحبان سهام انعکاس می‌یابد. در صورت

انعکاس به مبلغ تجدید ارزیابی، طبق استاندارد حسابداری شماره ۱۱ با عنوان **حسابداری داراییهای ثابت مشهود** عمل می‌شود با این تفاوت که در مورد تناوب تجدید ارزیابی مفاد بند ۳۴ ملاک عمل قرار می‌گیرد.

۳۶. چنانچه مدیریت واحد تجاری، سرمایه‌گذاریهای بلندمدت را به مبلغ تجدید ارزیابی منعکس کند، این ارزیابی باید همه ساله انجام شود. بدین معنی که واحدهای تجاری مجاز نیستند سرمایه‌گذاریهای بلندمدت را به مبلغی که نه معرف ارزش جاری و نه معرف بهای تمام شده است، منعکس کنند. این امر منعکس‌کننده این نظریه است که به غیر از بهای تمام شده اولیه، تنها ارزش مربوط و معنی‌دار برای استفاده‌کنندگان صورتهای مالی، ارزش جاری است.

۳۷. چنانچه یک "سرمایه‌گذاری سریع‌المعامله در بازار" به عنوان دارایی غیرجاری نگهداری شود، چون واحد تجاری در واگذاری آن محدودیت دارد یا تمایلی به واگذاری آن ندارد تا افزایش در ارزش آن در عمل متبلور شود، تلقی هرگونه افزایش در ارزش بازار آن به عنوان تحقق یافته، مناسب نیست و در نتیجه نباید این تغییرات را در صورت سود و زیان منعکس کرد.

۳۸. مبلغ کل سرمایه‌گذاریهای سریع‌المعامله که به عنوان دارایی جاری نگهداری می‌شود باید بر مبنای مجموعه (پرتفوی) سرمایه‌گذاریهای مزبور تعیین شود. مبلغ کل سرمایه‌گذاریهای بلندمدت و سایر سرمایه‌گذاریهای جاری، عبارت از جمع مبلغ دفتری تک‌تک سرمایه‌گذاریهای مربوط است که جداگانه تعیین می‌شود.

تغییر مبلغ دفتری سرمایه‌گذاریها

۳۹. هرگاه سرمایه‌گذاریهای سریع‌المعامله‌ای که به عنوان دارایی جاری نگهداری شده است، به ارزش بازار منعکس شود، هرگونه افزایش یا کاهش در مبلغ دفتری سرمایه‌گذاری باید به عنوان درآمد یا هزینه شناسایی شود.

۴۰. هرگاه سایر سرمایه‌گذاریهای جاری (یعنی غیر از سریع‌المعامله در بازار) به خالص ارزش فروش منعکس شود، هرگونه افزایش و کاهش مبلغ دفتری سرمایه‌گذاری باید به عنوان درآمد یا هزینه شناسایی شود.

۴۱. هرگاه سرمایه‌گذاری بلندمدت به مبلغ تجدید ارزیابی ثبت شود، نحوه حسابداری آن باید طبق استاندارد حسابداری شماره ۱۱ با عنوان "حسابداری داراییهای ثابت مشهود" باشد. افزایش مبلغ دفتری سرمایه‌گذاری بلندمدت در نتیجه تجدید ارزیابی باید به عنوان مازاد تجدید ارزیابی ثبت و در ترازنامه به عنوان بخشی از حقوق صاحبان سرمایه منعکس شود. هرگاه افزایش مزبور عکس یک کاهش قبلی ناشی از تجدید ارزیابی باشد که به عنوان هزینه شناسایی شده است، این افزایش باید تا میزان هزینه شناسایی شده در رابطه با همان دارایی به عنوان درآمد شناسایی شود. کاهش مبلغ دفتری یک قلم سرمایه‌گذاری بلندمدت در نتیجه تجدید ارزیابی باید به عنوان هزینه شناسایی شود. چنانچه کاهش مزبور عکس یک افزایش قبلی ناشی از تجدید ارزیابی باشد که به حساب مازاد تجدید ارزیابی منظور شده است، در این صورت این کاهش باید تا میزان مازاد تجدید ارزیابی مربوط به همان سرمایه‌گذاری به حساب مازاد تجدید ارزیابی بدهکار گردد و باقیمانده به عنوان هزینه شناسایی شود.

۴۲. باتوجه به مفهوم تحقق که عبارت است از الزام به اینکه درآمد مستند به دریافت وجه نقد (یا دارایی دیگری که با قطعیت معقول انتظار تبدیل آن به وجه نقد وجود دارد) شده باشد و یا با انتظار قریب به یقین مستند شود، مازاد تجدید ارزیابی مذکور در

بند ۴۱، درآمد تحقق نیافته تلقی می‌گردد. بنابراین افزایش سرمایه به‌طور مستقیم از محل مازاد مزبور مجاز نیست و تنها در زمان تحقق، طبق بند ۴۵ به حساب سود و زیان انباشته منتقل می‌شود.

۴۳. دریافت سود سهمی (یا سهام جایزه) موجب تغییر در مبلغ دفتری سرمایه‌گذاری نمی‌شود بلکه به منظور تعیین مبلغ دفتری هر سهم، مبلغ دفتری سرمایه‌گذاری باید به تعداد کل سهام موجود بعد از دریافت سود سهمی تقسیم شود.

۴۴. دریافت سود سهمی یا سهام جایزه منجر به ورود وجه نقد یا داراییهای دیگر به واحد تجاری سرمایه‌گذار نمی‌شود. به بیان دیگر واحد تجاری سرمایه‌گذار با دریافت سود سهمی چیزی جز آنچه داشته است، تحصیل نمی‌کند. به همین دلیل در زمان دریافت سود سهمی نمی‌توان درآمد سرمایه‌گذاری را شناسایی کرد و یا بهای تمام‌شده سرمایه‌گذاری را افزایش داد. دریافت سود سهمی تنها باعث افزایش تعداد سهام در سرمایه‌گذاری مربوط و در نتیجه کاهش مبلغ دفتری هر سهم موجود می‌شود. از سوی دیگر، تقسیم سود به شکل نقد و سپس افزایش سرمایه از محل مطالبات سهامداران با تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده در تعریف سود سهمی طبق این استاندارد قرار نمی‌گیرد، ضمن اینکه به موجب اصلاحیه قانون تجارت، واحد سرمایه‌گذار حق مطالبه سود سهام نقدی را دارد و تنها در صورت تمایل، این حق را در قبال کسب سهام جدید واگذار می‌کند که این امر به منزله دریافت سود سهام و پرداخت مجدد آن در قبال سهام جدید است. بدین ترتیب سود سهام نقدی مزبور با رعایت الزامات این استاندارد و استاندارد حسابداری شماره ۳ با عنوان درآمد عملیاتی شناسایی می‌شود.

#### واگذاری سرمایه‌گذاریها

۴۵. هرگاه یک سرمایه‌گذاری واگذار شود، تفاوت عواید حاصل از واگذاری و مبلغ دفتری باید به عنوان درآمد یا هزینه شناسایی شود. در مورد سرمایه‌گذاریهای جاری که به خالص ارزش فروش یا ارزش بازار ثبت شده و سرمایه‌گذاریهای بلندمدتی که به مبلغ تجدید ارزیابی انعکاس یافته است، سود یا زیان واگذاری باید نسبت به آخرین مبلغ دفتری و در مورد سرمایه‌گذاریهای جاری سریع‌المعامله که براساس پرتفوی سرمایه‌گذاری به اقل بهای تمام‌شده و خالص ارزش فروش نشان داده می‌شود، سود یا زیان واگذاری باید نسبت به بهای تمام‌شده تعیین شود. در مورد سرمایه‌گذاریهایی که به عنوان دارایی جاری نگهداری شده است، تفاوت ناشی از واگذاری باید به عنوان درآمد یا هزینه سرمایه‌گذاری و در مورد سرمایه‌گذاریهای بلندمدت، تفاوت مذکور باید به عنوان سود یا زیان واگذاری شناسایی شود. هرگونه خالص مازاد ناشی از تجدید ارزیابی یک سرمایه‌گذاری که قبلاً در حساب مازاد تجدید ارزیابی منظور و در آن نگهداری شده است، باید به عنوان تغییر در اجزای حقوق صاحبان سرمایه، به بستنکار حساب سود و زیان انباشته منظور شود.

۴۶. هرگاه تنها بخشی از مجموع یک سرمایه‌گذاری خاص واحد تجاری که به بهای تمام‌شده منعکس شده است، واگذار شود، مبلغ دفتری بر مبنای میانگین بهای تمام‌شده مجموع سرمایه‌گذاری محاسبه خواهد شد.

۴۷. در مواردی که حق تقدم خرید سهام توسط واحد تجاری سرمایه‌گذار به فروش می‌رسد مبلغ دفتری سرمایه‌گذاری مربوط پس از کسر مبلغ اسمی سهام موجود به نسبت تعداد بین حق تقدم و سهام موجود تسهیم می‌شود.

۴۸. هرگونه سود تضمین شده و یا سود سهام ممتاز تعلق گرفته و دریافت نشده مندرج در عواید حاصل از فروش به طور جداگانه به حساب گرفته خواهد شد.

تغییر طبقه‌بندی سرمایه‌گذاریها

۴۹. تغییر طبقه‌بندی سرمایه‌گذاریهای بلندمدت به جاری باید براساس یکی از دو مبنای زیر صورت گیرد:

الف. به اقل بهای تمام‌شده و مبلغ دفتری، چنانچه سرمایه‌گذاریهای جاری به روش اقل بهای تمام‌شده و خالص ارزش فروش منعکس می‌شود. اگر سرمایه‌گذاریهای مزبور قبلاً تجدید ارزیابی شده است هر گونه باقیمانده مازاد تجدید ارزیابی مربوط باید هنگام تغییر طبقه‌بندی از حساب سرمایه‌گذاری برگشت داده شود، یا ب. به مبلغ دفتری، چنانچه سرمایه‌گذاریهای جاری به ارزش بازار یا خالص ارزش فروش منعکس می‌شود. در مواردی که تغییرات در ارزش بازار سرمایه‌گذاریهای جاری به سود و زیان منظور می‌شود باید هر گونه باقیمانده مازاد تجدید ارزیابی مربوط را به حساب سود و زیان انباشته منتقل کرد.

۵۰. تغییر طبقه‌بندی سرمایه‌گذاریهای جاری به بلندمدت باید به اقل بهای تمام‌شده و خالص ارزش فروش، یا چنانچه قبلاً به ارزش بازار (یا خالص ارزش فروش) ثبت شده است به این ارزش انتقال یابد.

۵۱. در شرایط خاص، باتوجه به معیارهای ذکر شده در بند ۱۵، ممکن است تغییر طبقه‌بندی یک سرمایه‌گذاری که ابتدا به عنوان دارایی جاری تحصیل شده، مناسب باشد. برعکس، ممکن است شرایط مندرج در بند ۱۵ ازین برود و نیاز به تغییر طبقه‌بندی بوجود آید. در این صورت نحوه حسابداری تغییر طبقه‌بندی طبق بندهای ۴۹ و ۵۰ است.

۵۲. در کلیه موارد، تصمیم به انتقال یک سرمایه‌گذاری بین طبقات جاری و بلندمدت، باید به طور رسمی در سوابق داخلی واحد تجاری مستند شود. این مستندسازی باید تاریخ مؤثر انتقال را مشخص کند.

صورت سود و زیان

۵۳. علاوه بر موارد ذکر شده در بندهای بالا، اقلام زیر باید به سود و زیان منظور شود:

الف. هرگونه هزینه ناشی از کاهش خالص ارزش فروش سرمایه‌گذاریهای کوتاه‌مدتی که به اقل بهای تمام‌شده و خالص ارزش فروش ارزیابی می‌شود،

ب. هرگونه هزینه کاهش دائمی در ارزش سرمایه‌گذاریهای بلندمدتی که به روش بهای تمام‌شده ارزیابی می‌شود، و

ج. هرگونه برگشت کاهشهای قبلی موارد "الف" و "ب" باتوجه به تغییر در شرایط.

۵۴. سود نگهداری مربوط به اوراق سریع‌المعامله در بازار که به‌عنوان دارایی جاری نگهداری شده و به روش ارزش بازار ارزیابی می‌شود، منعکس‌کننده افزایش در ارزش بازار طی دوره است و درآمد تحقق یافته می‌باشد. بنابراین درآمد مزبور در سود و زیان به‌عنوان درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری طی دوره منظور می‌شود. هرگونه کاهش در ارزش بازار طی دوره نیز به‌عنوان هزینه شناسایی می‌شود.

۵۵. در مورد سایر سرمایه‌گذاریهای جاری، هرگاه خالص ارزش فروش کمتر از بهای تمام‌شده گردد، برای زیان مربوط، ذخیره ایجاد می‌شود. به‌گونه‌ای مشابه برای کاهش دائمی در ارزش سرمایه‌گذاریهای بلندمدت، ذخیره ایجاد می‌گردد. ذخایر مزبور در صورتی که به دلیل تغییر در شرایط مورد نیاز نباشد، برگشت می‌شود.

۵۶. هرگاه سرمایه‌گذاری بلندمدت به مبلغ تجدید ارزیابی ثبت شده باشد هرگونه کاهش در ارزش نسبت به مبلغ تجدید ارزیابی اندازه‌گیری می‌شود. نحوه به حساب گرفتن این مبالغ طبق استاندارد حسابداری شماره ۱۱ با عنوان حسابداری داراییهای ثابت مشهود خواهد بود.

مؤسسات تخصصی سرمایه‌گذاری

۵۷. مؤسسات تخصصی سرمایه‌گذاری که از توزیع سود حاصل از واگذاری سرمایه‌گذاری منع شده‌اند، باید سود یا زیان حاصل از واگذاری سرمایه‌گذاری و نیز تغییرات ارزش سرمایه‌گذاریها را که طبق الزامات این استاندارد به سود و زیان منظور می‌شود، نخست در صورت سود و زیان منعکس و سپس از طریق تخصیص سود به حساب اندوخته‌های غیرقابل تقسیم منتقل کنند.

افشا

۵۸. اطلاعات زیر باید در صورتهای مالی افشا شود:

- الف. رویه‌های حسابداری مورد استفاده برای سرمایه‌گذاریها مشتمل بر نحوه حسابداری تغییرات مبلغ دفتری،
- ب. مبلغ سرمایه‌گذاریهای سریع‌المعامله در بازار که به‌عنوان دارایی جاری نگهداری شده است،
- ج. مبلغ درآمد حاصل از سرمایه‌گذاریهای سریع‌المعامله در بازار که به‌عنوان دارایی جاری نگهداری و به روش ارزش بازار ارزیابی شده است، شامل درآمد حاصل از تغییر در ارزش بازار و تفکیک جداگانه سود و زیان ناشی از انتقال سرمایه‌گذاری بین جاری و بلندمدت،
- د. ارزش بازار سرمایه‌گذاریهای سریع‌المعامله در بازار که به‌عنوان دارایی جاری نگهداری شده و به روش اقل بهای تمام‌شده و خالص ارزش فروش ارزیابی شده است،
- ه. ارزش بازار سرمایه‌گذاریهای سریع‌المعامله در بازار که به‌عنوان دارایی غیرجاری نگهداری شده است،
- و. مبلغ هرگونه سود یا زیان ناشی از واگذاری سرمایه‌گذاریهای بلندمدت،
- ز. مبلغ هرگونه ذخیره برای کاهش دائمی در ارزش سرمایه‌گذاریهای بلندمدت،
- ح. محدودیتهای قابل توجه در رابطه با امکان تبدیل سرمایه‌گذاریها به نقد یا وصول درآمد و عواید واگذاری آنها، و
- ط. در مورد مؤسساتی که فعالیت عمده آنها سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار است، صورت تحلیلی پرتفوی سرمایه‌گذاری.

۵۹. در صورتهای مالی، رویه‌های حسابداری مورد استفاده برای سرمایه‌گذاری افشا می‌شود به گونه‌ای که مبانی ارزیابی و شرایطی که در آن هر یک از رویه‌ها اعمال شده، به وضوح مشخص شده باشد. افشای مزبور شامل رویه‌های مربوط به نحوه حسابداری تغییرات مبلغ دفتری سرمایه‌گذاریها نیز می‌باشد.

۶۰. برای درک صورتهای مالی، بویژه صورت سود و زیان، افشای میزان تأثیر عملکرد سرمایه‌گذاری بر نتایج عملیات واحد تجاری طی دوره از اهمیت برخوردار است. این امر، مقایسه با سالهای قبل و واحدهای تجاری دیگر را تسهیل می‌کند. براین اساس، در صورت اهمیت، مبلغ سرمایه‌گذاری سریع‌المعامله در بازار که به‌عنوان دارایی جاری نگهداری شده، همراه با درآمد حاصل از آنها و در صورت استفاده از روش ارزش بازار درآمد ناشی از تغییرات در ارزش بازار آنها، جداگانه افشا می‌شود.

تاریخ اجرا

۶۱. الزامات این استاندارد در مورد کلیه صورتهای مالی که دوره مالی آنها از تاریخ ۱۳۸۰/۱/۱ و بعد از آن شروع می‌شود، لازم‌الاجراست.

مطابقت با استانداردهای بین‌المللی حسابداری

۶۲. با اجرای الزامات این استاندارد، مفاد استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۲۵ با عنوان حسابداری سرمایه‌گذاران نیز رعایت می‌شود.